



تأليف
میرزا حسن خان سالقانی

به کوشش
دکتر بهروز محمودی بختیاری
(دانشگاه تهران)
دکتر مونا ولی پور



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سرشناسه	طالع، حسن بن محمدتقی، قرن ۱۳ ق.
عنوان و نام پدیدآور	حسن طالع / سم / کتاب حسن خان طالقانی؛ به کوشش [اصحیح: مصحح] بهروز محمودی بختیاری، مونا ولی پور.
مشخصات ظاهری	۱۷۴ ورق، جلد، نمودار.
شابک	۹۷۸۰۰۰۷۰۳۰۰۰۲۰۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	فارسی -- راهنمای آموزشی -- متون فارسی تا قرن ۱۴
موضوع	Persian language -- Study and teaching -- Early works to 20th century
موضوع	فارسی -- دستور -- متون قدیمی -- قرن ۱۲
موضوع	Persian language -- Grammar -- Early works to 20th century
شناسه افزوده	محمودی بختیاری، بهروز، ۱۳۵۲ - مصحح
شناسه افزوده	ولی پور، مونا، ۱۳۶۵ - مصحح
رده بندی کنگره	PIR۲۶۲۶/ط۲۶۵۱۳۹۶
رده بندی دیویی	۴۶۰/۷۶
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۶۰۶۱۱



لسان العجم

به کوشش: بهروز محمودی بختیاری، مونا ولی پور

طراح جلد، گرافیک، صفحه آرایی و ناظر فنی چاپ: محمد محرابی

www.mehraabi.com / 0912516354

ناشر: نویسه پارسی

خروانتشارات: ۰۳۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

فرشگاه: ۰۳۱-۶۶۹۵۷۱۳

سام: ۳۰۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲، تاه: ۲، یام: ۲

وبگاه: www.noesel.com

نوبت چاپ: ول ۱۳۹۶

شماره: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۷۰۱-۰۰۲-۸

چاپ و صغری: روز

قیمت: ۱۸۰۰۰ ن

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نویسه پارسی است.
تکثیر و انتشار این اثر با قسمتی از آن، غیر مجاز است. مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار می گیرد.

پیرامون لسان العجم و میرزا حسن خان طالقانی

وال رایج در مقدمه نویسی بر متون تصحیحی، معمولاً ارائه زندگی نامه نویسنده اثر است، اما در مورد نویسنده کتاب لسان العجم نمی توان چنین کرد؛ زیرا از زندگی میرزا حسن بن محمد تقی طالقانی اطلاعات زیادی در دست نیست. این قدر می دانیم که در زمان خود، از فضایل دوران به شمار می آمده، مدرّس دارالفنون بوده، و بر حسب انتخاب علی بی. رزای اعتضاد السلطنه (وزیر علوم وقت) در دارالتألیف استخدام شده تا در تألیف کتاب نامه دانشوران ناصری مشارکت کند. با آشنایی ایرانیان با روش فرانسوی ها در تدوین دایرةالارف، رف، به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۴ ق گروهی برای تألیف دایرةالمعارف به سرپرستی علی قلی میرزای اعتضاد السلطنه شکل گرفت. وی چهار تن از دانشمندان به نام های شمس العلماء محمد مهدی عبدرب آبادی، حاج میرزا ابوالفضل ساوجی، میرزا حسن طالقانی و عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی مشهور به ملاآقا (پدر علامه محمد قزوینی)، برای این کار به خدمت گرفت. نامه دانشوران گرچه ناتمام ماند ولی نخستین تجربه تدوین دانشنامه ای به صورت گروهی بود. جلد اول این کتاب در سال ۱۲۹۶ ق، منتشر شد. بعد از درگذشت اعتضاد السلطنه، سرپرستی جلد دوم به عهده محمد حسن خان اعتضاد السلطنه گذاشته شد و این جلد در سال ۱۳۱۲ ق به چاپ رسید. جلد های سوم و چهارم نیز به ترتیب در سال های ۱۳۱۷ ق، ۱۳۲۰ ق، ۱۳۲۱ ق، ۱۳۲۳ ق و ۱۳۲۴ ق منتشر شدند (انجمن، ۱۳۷۸: ۴؛ همچنین نک. صدر، بی تا).

در مقدمه نامه دانشوران آمده است: «میرزا حسن طالقانی در تألیف جلد اول دخالت داشته و تصحیح چاپ آن با وی بوده است ولی چون بعدها انحرافی پیدا کرد، نگذاشتند در تألیف سایر مجلدات شرکت کند و از دارالتألیف اخراجش کردند» (صدر، بی تا: دوازده). علامه محمد قزوینی علت اخراج او را از اداره دارالتألیف، گرایش او به طریقه بابیه دانسته (۱۳۳۷: ۵۸)؛ ولی این ادعا به اثبات نرسیده است.

به هر تقدیر، ظاهراً کتاب لسان العجم تنها اثر مستقلی است که تألیف آن تماماً توسط میرزا حسن خان طالقانی صورت گرفته است (مشار، ۱۳۴۰، ج ۲: ۵۸۳ و ۵۸۴). طالقانی در سطرهای پایانی لسان العجم متذکر می‌شود که قصد دارد آنچه را در این رساله به اجمال گفته است، با شرح و تفصیل در رساله مفصل دیگری توضیح و تشریح کند. اما گویا اثر دیگری از او منتشر نشده است. مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب در حواشی خود بر نامه دانشوران^۱، لقب او را «ادیب العلماء» ذکر کرده و یادآور شده است که او در تألیف کتاب قمقام الزخار و صمصام البثار نیز با فرهاد میرزا محمدالدوله همکاری داشته است. در همین حواشی می‌خوانیم که مرگ او در ذی‌قعدة ۱۳۳۷ ق در سن ۷۳ سالگی رخ داده است.

و اما خود کتاب. این اثر در اوایل قرن چهاردهم هجری، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، در عهد محمد علی‌قلی خان مخبرالدوله با هدف «تدریس زبان فارسی به ضمیمت سایر ارباب»^۲ با تلاش‌های دارالفنون تألیف شده و در سال ۱۳۰۵ ق منتشر شده است. در آن هنگام، جعفرقلی خان تیرالملک ناظم دارالفنون بوده است. از این کتاب دو چاپ وجود دارد. یکی نسخه ای که کتابت محمدصادق جرفادقانی (چاپ سنگی ۱۳۰۵ ق در تهران) و دیگری نسخه‌ای که کتابت لطف‌الله الحسینی الانجوی الشیرازی متخلص به دانش (چاپ سنگی ۱۳۰۷ ق در بمبئی)، چاپ نخست (۱۳۰۵ ق) پایه چاپ کنونی قرار گرفته ولی دل‌مندان^۳ دوم نیز تطبیق داده شده و در موارد مبهم از چاپ دوم استفاده شده است.

ساختار این کتاب، بحث مفصلی دارد که جداگانه به آن خواهیم پرداخت. از میان محققان حوزه دستور سنتی اشارات به این کتاب بسیار شده است. مرحوم مجتبی مینوی در مورد این کتاب به اشاره‌ای بسیار گذرا اکتفا کرده است (۱۳۳۶: ۴۴۵).

۱. موجود در کتب اهدایی ایشان به کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی در تهران.

استاد جلال همایی نیز به لسان العجم پرداخته و در مقایسه با کتاب‌های میرزا حبیب اصفهانی، آن را نپسندیده است. از نظر او، این کتاب «ترجمه و تقلیدگونه‌ای از کتب نحو و صرف عربی است. بعض قواعد و اصطلاحات مخصوص به فارسی هم دارد. به هیچ وجه همسنگ دستور میرزا حبیب نیست». او می‌افزاید که میرزا احسن طالقانی کلمات فارسی را به تقلید از عربی به سه قسم اسم و فعل و حرف تقسیم کرده و در باب اشتقاق، ماضی را از مصدر و مضارع را از ماضی گرفته و «از این جهت خود را سخت به زحمت انداخته و به قلب و تبدیل بسیار قائل شده است»، کاری که از نظر او «در عربی هم واقعاً منحصراً است» (۱۳۷۷: ۱۳۱). متعاقباً نظر استاد همایی درباره مبحث مورد نظر را بررسی می‌آورد.

ساختار کتاب لسان العجم

دیباچه

کتاب لسان العجم مانند سایر کتب عصر خود، به تحسین و ستایش خداوند و پیامبر اسلام آغاز می‌شود. در پیشگفتار کتاب، نویسنده انگیزه خود را از نگارش این دستور بیان می‌کند، و آن را نتیجه تشویق کسی می‌داند که «از پیش یافتگان این دولت روزافزون (ناصرالدین شاه) و تربیت شدگان مدرسه دارالفنون» است. رسی نامی از او نمی‌برد. شخص مذکور به میرزا حسن خان طالقانی یادآور می‌شود که دارالفنون در آن زمان به یمن وجود ناصرالدین شاه و زحمات علی‌قلی خان مخبرالدوله و از سیاست کیاست جعفرقلی خان تیرالملک رونق گرفته و آموزش زبان‌های مختلف در آن به مرحله کمال رسیده به جز زبان فارسی. به همین دلیل او از میرزا احسن خان طالقانی درخواست می‌کند که برخی اصول زبان فارسی را بنویسد تا در کنار علوم و زبان‌های دیگر در این مدرسه تدریس شود. ظاهراً با توجه به آموزش قانونمند و امروزی زبان‌های خارجه در دارالفنون، نظر مدیران آن به اهمیت آموزش نظام‌مند زبان فارسی و تألیف کتاب درسی آن جلب شده است. نویسنده نیز کتاب را به زبانی ساده و به قول

خودش، عاری از «تکلفات منشیانه و تصلفات وحشیانه»، در یک «مقدمه» و دو «باب» و یک «خاتمه» تنظیم کرده است.

مقدمه

در مقدمه کتاب، نویسنده به بحث جایگاه و چگونگی تولید آواهای مختلف پرداخته است. در دستورهای سنتی فارسی عموماً کمتر به مباحث آواشناسی پرداخته شده و این کتاب از این جهت جالب توجه است.

نویسنده در ابتدا جایگاه تولید آواهای مختلف را بیان می کند. او از آواهای حلقی شروع کرده و به چگونگی تولید «همزه»، «هاء»، «عین»، «حاء»، «غین» و «خاء» اشاره می کند. سپس «قاف»، «کاف» و «گاف» را به عنوان آواهای ملازی معرفی می کند. واهان، «میم»، «چیم»، «شین» و «یا» را آواهای سطح زبانی قلمداد می کند. «ضاد»، «لام»، «ون» و «راء» به عنوان آواهای زبانی دندانی معرفی شده اند. به گفته نویسنده «در زبان فارسی برای کام»، جای صورت بستن «طاء»، «تاء» و «دال» است. «ظاء»، «زاء»، «زال»، «ژاء» طبق گفته او از برخورد «تیزی سر زبان به شکم دندان های ثنایا» پدید می آیند. «سین»، «صین»، «صاد» و «شاء» خواهد بود. همچنین به اعتقاد نویسنده، از برخورد نازکی سر زبان به لب پائین «فاء»، و در محل خشکی میان دو لب «باء» و «پاء» و پیش وی زبان، «میم» و «واو» تولید می شوند.

همانگونه که مشاهده می شود، توصیفات میرزا حسن خالق از چگونگی تولید آواهای فارسی یا نادرست است و یا مبتنی بر تجوید عربی است. با وجود این، اهتمام این فرد به معرفی آواهای زبان فارسی در ابتدای دستورش قابل توجه است.

نویسنده در ادامه آواهای فارسی را به دو دسته «باصدا» یا «مصوّت» و «بی صدا» یا «مصمت» تقسیم می کند و حروف صدادار را دارای دو قسم «مقصور» (مصوّت های کوتاه) و «ممدود» (مصوّت های بلند) می داند. از نکته های جالبی که نویسنده بدان توجه کرده، دلالت بعضی از حروف بر چند واج است. برای مثال او اشاره می کند که

واو و یاء ممکن است گاهی جزء حروف باصدا و گاهی جزء حروف بی صدا به شمار آیند.

طالقانی نیز مثل دیگر دستورنویسان به حروف مختص به زبان عربی، حروف مختص به زبان فارسی و حروف مشترک در دو زبان اشاره کرده است.

همچنین او به دلایل تاریخی و چگونگی اختراع نشانه‌های مصوّت‌های کوتاه و تمایزگذاری آن حروف هم‌سان به کمک نقطه‌ها اشاره کرده است.

به گفته طالقانی، «واها را چه به تنهایی ظاهر شوند (در قالب یک حرف) و چه با آواهای دیگر ترکیب شوند، در باب یک کلمه»، «لفظ» می‌نامند. لفظ ممکن است بی معنی یا بامعنی باشد. لفظ بامعنی «تازی کلمه» و به فارسی «سخن» گویند.

کلمه به دو دسته «دارای معنی مستقل» و «بدون معنای مستقل» تقسیم می‌شود. آنچه معنای مستقل ندارد «حرف» است، و آنچه معنای مستقل دارد، خود بر حسب دلالت یا عدم دلالت به زمان به دو دسته «فعل» و «اسم» تقسیم می‌شود. این مبحث، آخرین بخش مقدمه است. بدین ترتیب می‌بینیم که طالقانی معانی با شیوه کتاب‌های صرف و نحو عربی، اجزای کلام را منحصر به سه جزء اسم، فعل و حرف می‌داند.

باب اول

صرف نظر از مقدمه و خاتمه، لسان‌العجم به دو باب اصلی تقسیم شده است: باب اول در «مفردات» و باب دوم در «مرکبات».

آنچه در باب مفردات آمده عمدتاً مباحث صرفی است. در این باب، نویسنده بررسی اقسام سه‌گانه کلمه یعنی اسم و فعل و حرف پرداخته و توضیحات مفصلی درباره اقسام و زیرمجموعه‌های هر یک به همراه تعاریف و مثال‌ها و شواهدی ذکر کرده است. اما در باب دوم به چگونگی کنار هم نشستن این کلمات و تشکیل گروه‌ها (مانند ترکیب‌های وصفی و اضافی) و جملات پرداخته است.

بلافاصله بعد از اتمام مقدمه، باب اول آغاز می‌شود. این باب شامل سه فصل است: اسم و فعل و حرف.